

### متن پرسش

سلام و عرض ادب: کسی که با گوش دادن صوت نحوه حضور حق در هستی از شما، از نظر علمی (نه وجودی) به یقین برسد. و سپس احساس کند خدا همه جا حاضر است آن هم شدیدتر از هر چیز دیگری و معذب بشود از این حضور حق، چه «معیاری» داره برای اینکه بدون این «احساسش» (نه علمش)، ناشی از توهم باشه (یعنی مغزش چون این رو میدونه این رو القا میکنه بهش)، یا احساسش حقیقی است؟ یعنی اگر چیز دیگری را می دانست مغز چیز دیگه ای بهش القا می کرد؟ یا واقعا با حقیقت مرتبط شده که آنچه یقین علمی داره رو ادراک میکنه. می خوام بدونم اولاً معیار چیست و ثانياً انسان در مواجهه با این معیار، چه وظیفه ای داره؟ خواهش می کنم جواب بدید. ملتمس «معیار» هستم واقعا درگیرم با این موضوع. بسیار ممنونم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا در ابتدای راه معیار را «عقل» و حکم عقلی نگیریم؟ و در دل میدانی که «عقل» در مقابل ما می‌گشاید تا حضوری که قلب در آن حاضر می‌شود، جلو و جلوتر نرویم؟ در حالی که بالاخره ما در حضور ابدی خود در آن جهان با خودمان به سر می‌بریم بدون توجه به نسبت‌هایی که در امور دنیا بدان مشغولیم که بعضاً اموری است سراسر پر از توهم. موفق باشید